

### دیدگاه ما در مورد جنگ حماس با اسرائیل

هولناک است. البته باید تاکید شود، نقش مخرب گروه های نظامی و شبه نظامی نظیر حماس در این رویداد اسفبار قابل انکار نیست و بخش مهمی از علت یابی چنین رخدادی بر دوش این گروه است که شماری از شهروندان بی دفاع و مظلوم اسرائیل را آماج کشتار و ارباب و اسارت قرار داده، توجیه گر حملات نظامی بی رحمانه برای جنایتکارانی چون نتانیاهو گردید. ضمن آنکه در نتیجه شروع این جنگ، دولت نتانیاهو که به علت اعتراضات مردم اسرائیل و اختلافات درونی دولت در حالت شکنندگی و فروپاشی قرار داشت از تنگنا نجات یافت، و از سوی دیگر خبر های مربوط به جنگ ویرانگر روسیه علیه اوکراین در حاشیه قرار گرفت و آقای پوتین فرصت یافت تا نفسی تازه کند.

بی شک تنها راه برون رفت از این بحران، طرح دو کشوری، بر بنیاد به رسمیت شناسی عادلانه ی حقوق شهروندی و انسانی هر دو طرف فلسطین و اسرائیل و ایجاد صلح و امنیت پایدار برای همه ی کشور های درگیر در منطقه است. تا تمام ساکنان منطقه به امکانات سیاسی، اقتصادی و رفاهی دست یافته و بتوانند امکان زندگی امن و بدون دغدغه را برای خود فراهم نمایند. هر جریانی که به هر بهانه ای این روند را به اختلال کشاند، در قبال فجایع رخ داده باید پاسخگوی تاریخ و جامعه جهانی باشد.

غزه به کمک های بشردوستانه این رقم رو به افزایش خواهد نهاد و با این وجود شاهد آئیم که دولت بنیامین نتانیاهو در اسرائیل که به علت فساد گسترده و سازمان یافته و اقدام علیه دموکراسی در آستانه ی سقوط بود، مانع کمک رسانی و امدادهای بشردوستانه است. آسوشیتدپرس به نقل از «عارف حسین» کارشناس ارشد اقتصادی برنامه جهانی غذا گفته است که تا کنون فاجعه ای انسانی از این دست، در این مقیاس دیده نشده است. گزارش های بین المللی حاکی از آن است که بیش از بیست هزار فلسطینی غیر نظامی که افزون بر چهار هزار نفر از آنان کودک بوده اند، تا کنون در پی حمله ی اسرائیل جان باخته اند و صد ها هزار تن از باشندگان غزه آواره شده اند و هر روز بر این تعداد افزوده می شود و قدرت های جهانی بر این نقض فاحش حقوق بشر چشم بسته اند. در ماه نخست حمله اسرائیل، به سه بیمارستان در غزه حمله شد و بیست بیمارستان به طور کامل از امداد رسانی و اماند اتمام داروهای ضروری و عدم دسترسی به امکانات نخستین درمانی مرگ و رنج شدید بیماران را در پی داشته است. جبهه ملی ایران ضمن ابراز همدردی با خانواده های مظلوم شهروندان غیرنظامی فلسطینی و اسرائیلی که در این حوادث خونبار در دو کشور کشته شده اند و نیز محکوم سازی این سنخ از نسل کشی و جنایت سازمان یافته علیه انسان های بیگناه، خواستار برخورد قاطع نهادهای بین المللی برای پایان بخشی به این جنایات

اگر از اختلافات عقیدتی و مناقشات بین بنی اسرائیل یعنی اجداد یهودیان با اعراب غیر یهودی که از قرن ها پیش از ظهور اسلام آغاز شده بود و ریشه در عمق تاریخ دارد بگذریم، منازعات بین اعراب مسلمان و یهودیان به زمان صدر اسلام و چهارده قرن پیش باز می گردد. اما صرف نظر از این پیشینه های تاریخی طولانی، در سال ۱۹۴۸، پس از تاسیس دولت اسرائیل در قلب خاورمیانه و در بین کشورهای عربی، جنگ ها و خونریزی های مکرری بین کشورهای عربی مسلمان به ویژه فلسطینیان با اسرائیل به وقوع پیوسته است. و این جنگ جاری بین سازمان حماس «حرکت مقاومت اسلامی» حاکم بر نوار غزه با اسرائیل آخرین درگیری است که از روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳ مطابق با ۱۵ مهر ۱۴۰۲ با حمله حماس به اسرائیل آغاز شده است. حمله حماس به اسرائیل با عکس العمل شدید ارتش اسرائیل و حمله هوایی و زمینی به نوار غزه روبرو شده که تا کنون متجاوز از بیست و دوهزار نفر کشته و هزاران نفر مجروح و مصدوم و صدها هزار نفر آواره و بی خانمان بر جای گذاشته است.

خبری که در آخرین روزهای سال ۲۰۲۳ میلادی انتشار یافت برای بشریت و وجدان های بیدار در سراسر جهان بسیار دردناک و رنج آور بود. سازمان ملل متحد و ۲۳ نهاد دیگر در تازه ترین گزارش خود اعلام داشتند که بیش از نیم میلیون تن از ساکنان غزه در پی گرسنگی جان خواهند باخت و به دلیل عدم دسترسی مردمان

### یاد و نام «تختی» گرامی باد

ورزشکاران جبهه ملی و سرانجام عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران گردید. مشی زندگی و باورهای او هیچ نسبتی با عملکرد جمهوری اسلامی نداشت و تلاش و ابستگان ورزشی حکومت برای مصادره نام و محبوبیت تختی عملی کاملاً فریبکارانه است. یاد و نام تختی گرامی باد.

شناخته شده و باقی بماند، اول روحیه انسانی و جوانمردانه او بود که در موارد متعددی چه در صحنه های ورزشی و چه در روابطش با مردم تجلی یافت. و دوم طرز تفکر آزادبخوانانه و ضد استبدادی و میهن دوستانه آن بزرگ مرد بود که به قدرت فاسد پشت کرد و در کنار مردم ایستاد. او پیرو راه مصدق و مدت ها مسئول سازمان

هفدهم دی ماه ۱۴۰۲ مصادف با پنجاه و ششمین سالگرد درگذشت جهان پهلوان تختی بود. قهرمانان کشتی زیادی آمدند و رفتند که به اندازه تختی یا حتی بیشتر از او مدال گرفتند و از نظر ورزشی درخشیدند ولی هیچ یک «تختی» نشدند. آنچه که سبب گردید تا تختی به عنوان یک قهرمان فراموش نشدنی و محبوب در نزد ملت ایران

### تار و پود حاکمیت روحانیون

و به طرز فحیح به درون اتوموبیل می چنانند. برای مردم جای تعجب ندارد، چون این نوع رفتار را نظیر نتایج همان توصیه به تقوا به حساب می آورند. آنگاه در شهری که قرار بود ام القریای کشورهای مسلمان باشد با مردمی که عموماً مسلمان هستند این رفتارها را که یاد آوری آن موجب صداغ و سرگردانی است چه باید گفت؟

اگر قرار است کسی بازداشت شود، چه ضرورتی دارد که با بی آبرویی وقانون شکنی همراه باشد و قوانین انسانی و حقوق بشر بین المللی زیر پا نهاده شود؟ اینچنین است که اخلاق از صحن و ساحت جامعه غایب

به رانت خواری و اختلاس وسوء استفاده از خزانه کشور و انواع مال اندوزی جنایت وار، کاسه نشده است. نه گیرنده رشوه در انتظار عموم احساس شرم و گناه میکند و نه نزد خواص احساس سرشکستگی دارد. دیده شده است کسانی با وقاحت در انتظار عموم و علنی زدی را سهم انقلابمان گفته اند. اگر این اندازه قباح و دورشن از ساحت اخلاق و اجتماع نامگر شکست اخلاقی نیست پس چیست؟

دقیقا به همین علت است که وقتی ماموران با جثه های درشت و چند نفره به زنی تنها در انتظار حمله می کنند، بی اعتنا به عربانی تن زن، او را روی زمین کشیده

برای آگاهی یافتن بر ماهیت شیوه حکومتی روحانیون هیچ شناخت ابزاری یافت نشده است. هم ازینرو است که کشورهای دارای اداره وادایره سیاسی وزارتی در رابطه با جمهوری اسلامی از برگزیدن راه از چاه دچار سرگردانی هائی هستند که با معیارها وروال عادی زندگی ی بین المللی وروزمره خودشان ناسازگار بنظر می رسد. برای روشن شدن موضوع چند نمونه رقم زده می شود. نخست و سرو سرور اینها توصیه اخلاقی «شما و خودم را به تقوا توصیه می کنم» است که توصیه ای است که از تکرار چهل و پنج ساله آن اثری بر شنوندگانش دیده نشده است. حتی به قدر ذره ای هم از میل روزافزون

شده و آدم کشی وساجمه به چشم زدن نام انجام وظیفه گرفته است؟ چه جنایتی در حق واژه ها! آیا نمی دانند این زشتکاری های سخیف در فضای مجازی تا اقصای جهان به چرخش در می آید. ترسی از بی ابرویی آشکار شدن ندارند؟

دیدیم تکرار توصیه به تقوا در نماز جمعه ها بر فاسدان اثری نداشت. معاون قوه قضائیه محکوم هم آزاد شد. کسی انکار این معنی نکرده و مکرر تأیید هم شده است که سخنرانی و حرف اثرگذار نیست. تنها سخنی که در رد این فساد فراگیر گفته شده اینست که فرا گیر نیست، که تأیید اصل فساد در حد فراگیر است، البته جای انکار ندارد.

گوگل شده است همان طشت رسوائی فاسدان. همه مشخصات افراد و دارائی ها و املاک غارت شده و سرمایه ها و شرکای کلاهبرداری ها با درصد سهام با تمام جزئیات وارزش چند هزارمیلیاردی آن نمایش داده می شود. چگونگی دستبرد به خزانه ملی و ثروت ملت ایران درمنظرجهانیان واهل تحقیق آشکار است. قراردادهای و داستان های خیانت آلود مانند پروژه نابود ساز میراث بشری محیط زیست میانکاله، فساد چند هزار هزار میلیاردری فولاد مبارکه که خودشان برایش مجله چهار رنگ تبلیغی هم چاپ کردند، موضوع روزاست. ولی کسی مشوش نمی شود؟ چنان قبح از قباحته رفته که گوئی سرگرم عادی زندگی روزانه خودشان هستند. مسمومیت شیمیائی محصلین مدارس که ماهها ادامه داشت بگونه ای رواج دارد که گویا در این کشور نه روحانی، نه پلیس، نه دادرسان نه آزمایشگاه های وزارت بهداشت ودرمان، وجود خارجی نداشته یا مرخصی رفته اند و بدل های آنان در اداره ها و وزارتخانه ها و دیوان ها در رفت و آمدند. مردم هم حیرت زده نگاه می کنند وچشم به پایان کار دارند؟! خجالت و شرمساری و پاسخگوئی دیده نمی شود؟!

به طور قطع این دستاورد حاکمیت روحانیون است. یا جزوی جدا نشدنی شده از آنست؟ عملکرد حاکمیت، در بیشتر زمینه ها کشور را تا مرز ورشکستگی پیش برده است.

عملکرد حاکمیت است که اتحاد آغاز انقلاب را به چنان فاصله ای با ملت بدل کرده است که از آن به عنوان گسل فرهنگی و یک رنسانس نام برده می شود. خیزش چند باره یکپارچه بیش از یکصد شهر حاصل عملکرد حاکمان روحانی در دورشدن از ملت است ویک هشدار جدی بود؟! شک نداشته باشید که بی اعتنا بودن به خواسته های ملت عواقب غیر قابل پیش بینی دارد!

پیروزی های انقلاب و مقاومت در جنگ، بدون مشارکت ملت شدنی نبود. اصولا هیچ کار بزرگی در وسعت کشور بدون همراهی ملت موفقیت نخواهد داشت. اوضاع نابسامان این ابر بحران های شبیه ورشکستگی که نه قیمت قوت لایموت ثبات دارد نه قیمت ارز مرزی دارد، حکومت ناتوان از تأمین مواد غذایی با قیمت عادلانه برای عموم است. نه داروی کافی و به قیمت یافت می شود.. نه کار برای بیکاران وجود دارد نه تولید کشور قابل توجه است. نه اکثریت توان خرید خانه دارد نه امکان اجاره خانه. نه امروز کارها سامان دارد و نه نشانه ای از آینده بهتر قابل تصور است. تنها وعده است و وعده مکرر سالها و سالها. اینها نتیجه حاکمیت اقلیت قشر روحانی است.

برای همینست که بحران ها بدل به ابر بحران ها شده اند. رای قلبی ملت می تواند سرنوشت ساز باشد. همچنان که در ماجرای دختر کرد مظلوم خانم مهسا امینی انفجار ناگهانی جامعه همه چیز را زیر و زبر کرد. چه هزینه عظیمی هم بوجود آورد و دنیا آنرا با حیرت مشاهده کرد. جدائی راه اکثریت ملت از حاکمان روحانی را؟!!

بدون تردید مصیبت هایی که بر مردم مظلوم و محترم کشورمان می گذرد، چیزی نیست جز حاصل عملکرد و سیاست گذاری ها، انکار و نادیدن سودی ندارد، واقعیت اینست که اینهمه ابر بحران و مشکلات میدانی کشور محصول ناکار آمدی همین چند هزار نفری است که مرتب جا عوض می کنند، جای انکار ندارد. کس دیگری نبوده. و اگر اندک زمانی هم بوده اوضاع بسیار بهتر از این بوده است. بالاخره کسی باید به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چرا مسائل ساده ی دیگر کشورها در ایران تبدیل به ابربحران ها می شود؟

پاسخ اینست که مشکلات انباشته شده کمر شکن، حاصل سیاستگذاری ها و کاربدستان غیر انتخابی می باشد. برای اینست که اکثریت اینان انتخاب ملت نیستند. با اینحال می بینیم که این روزها بار دیگر لفظ انتخابات سر زبان برخی می چرخد. آنهم نه برای ملت ایران! فقط برای اصولگرا و اصلاح طلب! چرا عبرت نمی گیرند که در مقایسه هیچ کدام از کشور هایی که انتخابات آزاد دارند از گونه مشکلات عجیب و غریب کشور ما را ندارند؟

همین انتخابات یکی از دلایل ایجاد گسل دولت-ملت است. انتخابات مهندسی شده که انتخابات نیست. برای کشور و ملت هم مشکلی را حل نمی کند که مشکل

افزائی می نماید. در دو انتخابات گذشته نتیجه قهر با صندوقی که فاقد انتخاب شونده و انتخاب کننده است دیده شد. سخن گفتن از انتخاباتی که در آن حق انتخاب کردن وجود ندارد کسانی ظاهر می شوند که مایه خسران و خجالت دنیا و آخرت است. مشکلات کشور نیز نه تنها حل نمی شود، خواه ناخواه ابر بحران می شود. انتخابات بدون انتخاب شونده و انتخاب کننده دوره اش گذشته است؟! دوره از جان گذشتگی این نسل «آتش و خون و چشم و جان» از سرگذرانده که می دانند انتخابات چیست را بشناسیم و محترم داریم؟!

رعایت حقوق قانونی ملت ایران الزامی است. هر مشکلی پیش آید از پس مراعات نکردن این حقوق است. انتخاب نماینده مجلس و ریاست جمهوری از کاندیدا شدن تا انتخاب نهائی حق ملت است. با رعایت حقوق قانونی ملت در سراسر کشور شور و شوق و برادری و برابری و آرامش برقرار خواهد شد.

به هر صندوق مهر زده صندوق انتخابات نمی گویند. این فرزندان در مدارس شما و با معلمان شماردس خوانده اند ولی توسط پدر و مادرها و تکنولوژی پیشرفته رشد کرده اند. در گذشته هرگز این چنین نسلی دیده نشده است. هیچگاه بمانند دوران تازه هشیاری و اتحاد و یکپارچگی اجتماعی اینگونه در اوج خودش نبوده است. هیچگاه اینهمه پامردی و جان نثاری و تحمل دیده نشده است! این گسل را راه چاره باید. خشونت و سرکوب و بی قانونی راه حل نیست. قابل ادامه هم نیست. هم محکومیت جهانی دارد و هم قهر داخلی. جمهوری بدون جمهور معضل داریم است. از سوئی اقتصاد دانان اتفاق نظر دارند که بدی وضع معیشت و اقتصاد مردم و جامعه ریشه در سیاست های حاکمیت دارد و باعث تبعیض و بی عدالتی و ناراضیتی می گردد. نظام بانکی آلوده به فساد، اساس گرانی و تورم و مزیقه در بین ملت است. اصلاحات این نیست که چند نفر را محاکمه کنیم و سپس با قید وثیقه آزاد کنیم تا دیال کار سابق را بگیرند. سیاست کار باید تغییر کند تا کارها به روال درست و درستی برگردد.» بدیهی است که اگر حکومت ها به دمکراسی بر نگردند سرنوشت دردناک آنان راجنبش های مردمی رقم خواهند زد»

چنان که بارها تأکید نموده ایم تنها راه برگذاری انتخابات آزاد واقعی از بین نمایندگان واقعی همه اقشار ملت است. و این یعنی زیست در دمکراسی و قانونمداری.

## جنگ و خشونت نمایش فاصله گرفتن از انسانیت

سرزمین های فلسطینی و ضمیمه کردن آنها به اسرائیل بپردازند. در دوره نتانیاهو شهرک سازی ها گسترش یافت و موانع عدیده ای برای صلح و تشکیل کشور مستقل فلسطینی ایجاد شد. همین تجاوزات و موانع بهانه تشدید خشونت و حمایت از گروه های افراطی بنیاد گرا شده است.

جنگی را که حماس آغاز کرده است علاوه بر کشتن غیر نظامیان اسرائیلی، با کشتن اتباع کشورهای مختلف به صهیونیست ها این مشروعیت و بهانه را داده است تا مردم بی پناه و بی گناه غزه را قتل عام نمایند. حماس در واقع خیانت به مردم غزه و فلسطینیان بود. حتی پاره ای از کارشناسان معتقدند که اسرائیل با توجه به توانایی سازمان های جاسوسی و امنیتی خود و اشراف بر امور غزه از این حمله مطلع بوده است. اما مانع آن نشده است تا بهانه تجاوز به غزه را پیدا کند. به هر

نسبت به این سرزمین داشتند، در سال ۱۹۴۸ کشوری به نام اسرائیل تأسیس شد. با حمایت های انگلیس و آمریکا و سایر کشورهای اروپایی و با داشتن ثروت و سرمایه هنگفت به تدریج اعراب عقب رانده شدند و کشور اسرائیل گسترش یافت. گروه های افراطی بنیاد گرای یهودی حتی به اعتراضات یهودیان معتدل که خواستار همزیستی مسالمت آمیز با اعراب و تشکیل دولت مستقل فلسطینی بودند، وقعی نمی نهادند. گروه های افراطی و بنیاد گرای دینی اسلامی خصوصا بعد از انقلاب اسلامی با حمایت های مالی و لجستیک جمهوری اسلامی خواستار نابودی و محو اسرائیل بوده و هستند و با عملیات ایذایی مانع هر گونه گفتگو برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی می شوند. همین عقائد و اعمال بهانه به دست افراطیون بنیادگرایی مثل نتانیاهو داده است تا به تجاوز و تصرف بیشتر

جنگ و خشونت، کشتن انسان ها و به طور کلی سلطه گری و جنایت و تجاوز در روابط انسانی، نشانه های خود بینی و خودشیفتگی و عدم بلوغ عاطفی و اخلاقی و تمایلات زیاده خواهی و از غرائز حیوانی است. برای ارضای امیال و تمایلات و رهایی از حقارت فردی و قومی و فرقه ای و حتی ملی و ابراز هویت و اثبات برتری قومی و اعتقادی، اقوام و ملل مختلف در طول تاریخ به جنگ و جدال و خشونت پرداخته اند و در پای امور نامعقول هزاران انسان بی گناه و بی پناه را قربانی مطامع خود کرده اند.

با فروپاشی امپراطوری عثمانی، دولت استعماری انگلستان، قیمومیت سرزمین فلسطین را به دست آورد و پس از آن با جلب و جذب و یا به عبارت بهتر کوچاندن یهودیان از اقصا نقاط جهان به سرزمین فلسطین به بهانه های دینی یهودیت و ادعای تاریخی که یهودیان

حال این امری بدیهی است و حماس بهتر از هر کسی از تبعات حمله خود مطلع بوده است و می دانسته که مردم غزه چه بهای سنگینی باید بپردازند. از این نظر حماس همانند صهیونیست ها در قتل عام مردم غزه سهیم و مقصر است. اما این موضوع از مسئولیت مجامع و نهادهای حقوق بشری و قدرت های جهانی و کشورهای دموکراتیک در محکومیت جنایات صهیونیست ها نمی کاهد.

آنان با همدلی با بنیادگرایان متجاوز می مثل دولت نتانیاهو که با گسترش شهرک سازی مانع مذاکره برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی شد، در این کشتار وحشتناک و غیر انسانی شریک هستند. افراطیونی مثل نتانیاهو از عوامل پیدایی و گسترش گروه های افراطی بنیادگرای اسلامی در غزه و لبنان هستند و در تحریک و تشدید خشونت شریک هستند. اما با این حال اسرائیل و فلسطین و غزه و یمن بر خلاف سیاست های حاکم، مسئله اصلی و اولیه ما ملت ایران نیستند. حکومت جمهوری اسلامی نباید سرمایه های ملت ایران را که خود از فقر و بیکاری و تورم و تبعیض و فساد حاکم در رنج و عذاب هستند هزینه سوریه و یمن و غزه و فلسطین و گروه های افراطی خشونت طلب نماید. متأسفانه جمهوری اسلامی با ایجاد و حمایت از این گروه ها، علاوه بر هدر دادن سرمایه های ملی، کشور را در آستانه تنش و حتی جنگ سوق داده است. سیاست های جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه به هیچ وجه با منافع ملی و حقوق ملت ایران همخوانی نداشته است. بلکه بر عکس تماماً به زبان مردم ایران و بر خلاف منافع ملی عمل کرده است. در جمهوری اسلامی سیاست داخلی و منافع ملت ایران گروگان سیاست های نادرست و تنش آفرین خارجی بوده است.

حاکمیت جمهوری اسلامی هنوز هم خودش را به عنوان یک دولت مستقر که باید مطابق خواسته ها و نیازها و سلیقه مردم کشور خود سیاست گذاری و برنامه ریزی نماید، نپذیرفته است. هنوز هم نه به عنوان یک حکومت مستقر بلکه شبیه یک گروه انقلابی در ترور و گروگانگیری و تأمین بودجه و سلاح برای گروه های جنگ طلب و تنش آفرین فعال است و با بی توجهی به قوانین بین المللی و روابط دیپلماتیک به عنوان یک دولت ماجرا جو در جهان موجب شده است کشور و مردم ایران در جهان منزوی و تحریم و تحقیر شوند.

با همه ماجرا جویی های بین المللی به سبب فقدان دانش و عدم شناخت قوانین و عدم رعایت قواعد روابط دیپلماتیک اعتماد به نفس و توان گفتگو و مذاکره با آمریکا را ندارد. گفتگو و مذاکره را با سازش و وابستگی

مترادف می دانند. زمامداران جمهوری اسلامی هنوز نیمه‌مختره اند که مذاکره و گفتگو طبق عرف بین الملل نه تنها به معنی سازش و وابستگی نیست، بلکه به معنی توافق هم نیست. موافقت یا مخالفت با سیاست های هر کشور دیگر، حتی در شرایط تنش های حاد سیاسی باید بر اساس قوانین بین المللی و رعایت روابط دیپلماتیک صورت بگیرد.

دکتر مصدق رهبر نهضت ملی ایران حتی پس از اخراج کارشناسان و اتباع انگلیسی و خلع ید از دولت انگلستان، هر موقع دولت انگلیس درخواست مذاکره می کرد، می پذیرفت و با آنها گفتگو می کرد، اما اگر پیشنهاد آنها مخالف منافع ایران بود با صراحت اعلام می کرد که پیشنهاد شما منافع ملی ما را تأمین نمی کند. مذاکره کردن شجاعت می خواهد. شجاعتی که ناشی از دانش و شناخت و اعتماد به نفس و قدرت مذاکره کنندگان است. حتی کشورهای در حال جنگ هم در زمان جنگ و تخاصم نیز مذاکره می کنند. در عالم سیاست و روابط بین الملل دشمن دائمی و قهر دائمی فاقد جاهت قانونی و اخلاقی و ناشی از جهل نسبت به قواعد بازی سیاسی است.

جمهوری اسلامی پس از نزدیک به ۴۵ سال حکومت هنوز هم گمان می کند که یک گروه انقلابی است که باید بر اساس ایدئولوژی تمامیت خواه خود، همه عالم و آدم و خصوصاً جهان اسلام و مردم ایران را به رنگ و بوی خود در آورد.

حکومت جمهوری اسلامی که به نیازهای اولیه مردم ایران بی اعتنایی می کند و مردم خود را در فقر و فلاکت گرفتار کرده است و به حداقل های نیازها و خواسته های معیشتی و نظر و دیدگاه و سلیقه آنها اهمیتی نمی دهد و در پاسخ اعتراض به حق مردم به سوی آنها شلیک می کند و چشمان زنان و دختران را نشانه می گیرد و حقوق مردم محروم زاهدان و کردستان و حتی مرکز نشینان را نادیده می گیرد، ممکن نیست از حقوق مردم کشورهای دیگر در مقابل ظلم دفاع کند. هدف حکومت ایران در دفاع از فلسطین و یمن و بشار اسد و ده ها گروه افراطی بنیادگرا، تنش در منطقه و حمایت از گروه های خشونت طلب به منظور ایجاد تقابل و ضربه زدن به غرب برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خودش است. در واقع هدف استفاده ابزاری از این گروه هاست. مردم فلسطین که خاک سرزمینشان توسط اسرائیل تصرف شده است به اندازه حکومت ایران ضد اسرائیل نیستند. اکثریت آنان با تشکیل کشور مستقل فلسطینی و به رسمیت شناختن اسرائیل موافق هستند. اما جمهوری اسلامی افراطی تر از گروه های افراطی در غزه

و لبنان می اندیشد و عمل میکند و با حمایت های مادی و معنوی از این گروه ها، کشور ایران را در آستانه تهدیدات جدی و حتی جنگ قرار داده است.

حتی یووال نوهاری فیلسوف و متفکر یهودی اسرائیلی احتمال می دهد که اگر اسرائیل ناگزیر شود از سلاح اتمی نیز استفاده خواهد کرد. این در حالی است که مسئله غزه و فلسطین و یمن و لبنان و عراق و سوریه و سایر کشورها که پر از گروه های نیابتی جمهوری اسلامی شده است و از کیسه ملت ایران تأمین می شوند، مسئله اصلی و اولیه ما نیستند. مسئله حکومت ایران باید تأمین منافع ملی و جلب رضایت مردم و ایجاد امکانات و رفاه ملت ایران باشد.

اما متأسفانه جمهوری اسلامی به هیچ یک از نیازها و خواسته های ملت ایران واقعی نمی نهد و با سیاست های سرکوب گرانه داخلی و تنش آفرین خارجی کشور را با انواع و اقسام تحریم ها و بحران های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و عقب ماندگی های فرهنگی مواجه کرده است. حکومت چنان با مردم خود بیگانه و دشمن است که با ملت ایران مثل یک سرزمین اشغال شده رفتار می کند.

الیکارشی حاکم، منابع و سرمایه های ملی را مصادره کرده و به انحصار خود در آورده است. با سرمایه های مردم ایران تبدیل به کاست اقتصادی و سیاسی شده اند که غیر از خودی ها هیچ کس را به داخل حریم و حرم خود راه نمی دهند.

حاکمیت تبدیل به اقلیتی بدون پایگاه مردمی و طبقه ای اشرافی و فاسد و ناکارآمد شده است که در داخل فقط از زور و سرکوب و خشونت علیه مردم خود استفاده می کند و سیاست خارجی آنها نیز حمایت از گروه های افراطی بنیادگرای است که آن نیز هیچ ربط و نسبتی با منافع مردم ایران ندارد. حتی اکثر فعالیت های این گروه ها مثل حماس و حزب الله و حوثی ها به زبان مردم سرزمین خودشان است.

جنگ اعراب و اسرائیل مسئله ایران نیست. ما تنها از نظر اخلاقی و انسانی می توانیم و باید خشونت و تروریسم و جنگ و کشتار زنان و کودکان و غیر نظامیان را از هر طرفی که باشد، محکوم کنیم.

لذا جمهوری اسلامی حق ندارد بر خلاف منافع ملی، کشور و مردم ایران را بخاطر گروه های خشونت طلب سایر کشورها به خطر بیندازد و از سرمایه های ملت ایران مخفیانه و بدون اطلاع و رضایت مردم به این گروه ها بذل و بخشش نماید.

## نگاهی گذرا به آرایش اقتصادی و سیاسی جهان

با پژوهش و نگرشی دقیق به اوضاع اقتصادی و سیاسی جهان کنونی و آینده نزدیک آن و با توجه به نظر اقتصاد دانان و سیاستمداران که در فضای بین المللی بازتاب یافته است، وضعیت اقتصادی و آرایش سیاسی کشورهای بزرگ را به شرح ذیل می توان مورد مذاقه قرار داد:

رقابت میان آمریکا و چین در قرن حاضر بزرگترین چالش سیاسی اقتصادی سده جاری است.

در حال حاضر زمامداران آمریکا چین را به خاطر نقض حقوق بشر در هنگ کنگ، تعرض به دریای جنوبی و شرقی چین، و تهدید تایوان، سرعت مالکیت معنوی،

دستکاری ارزی و حملات سایبری محکوم می کند. لازم به ذکر است که این محکومیت ها ناشی از زایش تنش میان آمریکا و چین است، چون چین در حال صعود به جایگاه درجه اول اقتصاد جهان است.

چین، طبق ارزیابی کارشناسان حوزه اقتصاد سیاسی، تا پنج سال دیگر به عنوان بزرگترین اقتصاد دنیا، از ایالات متحده آمریکا پیشی خواهد گرفت.

چین یک شبکه اقتصاد جهانی با پیوندهایی با کشورهای دیگر برقرار کرده و موسسات مالی چندجانبه مانند سازمان همکاری های شانگهای، بانک جدید توسعه، و بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیایی تأسیس کرده تا

با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی رقابت کند. آمریکا و چین با وجود رقابت ها، از لحاظ اقتصادی به شدت به هم وابسته اند. اما باید توجه داشت که تضاد منافع و رقابت بین این دو قدرت، سمت و سوی آینده جهان را رقم خواهد زد. سایر درگیری ها و مناقشات موضعی و منطقه ای در بستر همین رقابت بین این دو، شکل گرفته و می گیرد. نکته آخر آن که مهمترین مولفه قدرت برای هر کشور میزان آزادی ها و تحقق دموکراسی است که چین از داشتن این مولفه مهم قدرت محروم است.

## اصول اعتقادی جبهه ملی ایران برگرفته از اساسنامه

اصل اول- حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی میهنی، استقلال سیاسی و استقرار حاکمیت ملی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم- تلاش برای تامین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به‌ویژه آزادی عقیده و بیان، آزادی احزاب، انتخابات، مطبوعات و کوشش برای برقراری تساوی حقوق زن و مرد و موازین حقوق بشر.

اصل سوم- تاکید بر جدایی دین از حکومت به منظور فراهم نمودن امکان بهره‌مندی از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران.

اصل چهارم- استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی از طریق رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی. اصل پنجم- صیانت از حقوق شهروندی برابر و حمایت از اعتقادات، آداب و رسوم، و فرهنگ و هنر اقوام و همه‌ی مردم ایران.

اصل ششم- تقویت، پاسداری و گسترش زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و رسمی و مشترک ایرانیان ضمن احترام و تاکید بر محافظت از زبان‌ها و گویش‌های مختلف اقوام ایران زمین.

اصل هفتم- اتخاذ سیاست خارجی مستقل جهت حفظ مصالح و منافع ملی (موازنه منفی) و حفظ تمامیت ارضی کشور، پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد و دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورهای به‌ویژه کشورهای منطقه، و مخالفت با هرگونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.

اصل هشتم- حفاظت و حراست از محیط زیست کشور به‌ویژه نگهداری از جنگل‌ها، مراتع، رودخانه‌ها، تالاب‌ها، حیات وحش، و هوای پاک بر اساس اصول علمی و سیاست‌گذاری صحیح و کارشناسی شده.

در کوچه و بزرگ چه بود بمب‌گذاری؟  
کاری که بود در نظر جامعه محکوم  
جرمش چه بود آن که بود ره‌سپر کوی  
این نیست مگر واکنش خودسری و زور  
یارب تو برافکن ز بن این آفت بیداد

استاد عبدالعلی ادیب برومند

## انفجار در کرمان، بی‌اعتمادی ملت

تجمع دولتی را ندارند؟ دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی گویا فقط وظیفه سرکوب مردم و برخورد با تجمعات مسالمت آمیز و قانونی معلمان فرهیخته، کارگران شریف، دانشجویان میهن دوست، بانوان حق طلب، بازنشستگان مظلوم و سایر اقدار ملت ایران را به عهده دارند. اما در مقابل گروه‌های تروریستی و طوئنه‌های شبیه انفجار کرمان کاملاً نا توانند. حکومت علاوه بر حفظ امنیت، موظف به تامین معیشت مردم، ایجاد شغل و کار، بالا بردن سطح تولید، تامین مسکن، بهداشت و درمان و آموزش برای آحاد ملت است. که حکومت جمهوری اسلامی در تمام این زمینه‌ها هم کارنامه ای منفی و مردودی در دست دارد. در عوض فساد گسترده و باور نکردنی کارگزاران حکومت، مردم را شگفت زده و مایوس کرده است. بنا بر این، ملت ایران حق دارد که نسبت به حکومت بی‌اعتماد باشد.

هدف حکومت برگزاری یک مراسم با شکوه و پرجمعیت در کرمان بود تا آن را الگوی شور انتخاباتی کند. که به فاجعه ی مرگباری منجر شد. و عده ای از هموطنان عزیز ما بی رحمانه کشته شدند و خانواده‌های بسیاری در غم از دست دادن عزیزان خود عذاب کشیدند.

از قضا فاجعه کرمان و به خون کشیده شدن آن گردهمایی مورد نظر حکومت، با چهارمین سالگرد جنایت شلیک موشک به هواپیمای مسافربری و کشتار وحشتناک ۱۷۶ تن، مسافرین هوا پیمای اوکراینی و پرونده بین المللی فاجعه قتل مسافرین مظلوم هم زمانی می یابد و حکومت را در چنان محاصره ای قرار می دهد که راه پس و پیش خود را گم می کند.

از اولیه ترین وظایف یک حکومت، تامین امنیت مردم و شهروندان جامعه است. چگونه حکومت جمهوری اسلامی از تامین امنیت گردهمایی که خودش تدارک بر پای آن را به عهده داشته عاجز است؟ چطور دستگاه‌های امنیتی گوناگون دولت جمهوری اسلامی توان برقراری امنیت حتی در یک

## مفهوم جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران

و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعمیم می‌کند.

با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، و عموماً قانون مجازات اسلامی، جرم سیاسی در قانون ایران در ۶ ماده تنظیم گشته است:

الف - توهین یا افتراء به روسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خبرنگاران رهبری، و اعضای شورای نگهبان.

ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که وارد ایران شده‌اند.

پ - نقض آزادی‌های مشروع دیگران، تهمت زدن، افتراء و شایعه پراکنی در کشور.

ث - نشر اکاذیب به قصد ضربه زدن به اصل نظام و نه اصلاح.

ج - جرم علیه امنیت کشور.

در رسیدگی به جرم سیاسی باید هیات منصفه حضور داشته باشد و احکام استرداد مجرمین و تکرار جرم برای مرتکبین جرم سیاسی قابل اعمال نیست. و باید از ارفاقهای قانونی مانند استفاده از کیفیات مخففه و نشویندن لباس زندانیان سیاسی و مانند اینها برخوردار باشند.

در دوران پهلوی دوم هم کماکان، همین موارد، جرم سیاسی محسوب می‌شد اما به شهادت تاریخ دکتر مصدق و دکتر فاطمی و وزرای دکتر مصدق هیچکدام علیه منافع ملی کشور اقدام نکردند، بلکه عکس آن صادق بود. تنها علیه منافع انگستان و در راستای منافع ملی مردم ایران قیام کردند که متأسفانه با کودتای ننگین ۲۸ مرداد مواجه شدند.

لازم به ذکر است که در کشورهای پیشرفته دموکراتیک مانند اروپای غربی، شمالی، آمریکا و ژاپن، توهین به زمامداران کشور به ویژه اگر در راستای افشاکاری برای فساد و سوء مدیریت باشد به هیچ وجه جرم تلقی نمی‌شود.

جرم سیاسی جرمی است که به منافع دولت یا حکومت لطمه وارد کند. در تعریف دیگری از جرم سیاسی، آن به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی و برهم زدن نظم عمومی و امنیت کشور است. فرهنگ بزرگ حقوقی « بلک لا » جرم سیاسی را اینگونه تعریف کرده:

« به طور کلی، هر جرمی که مستقیم علیه حکومت باشد، جرم سیاسی است. مانند خیانت و شورش که

شامل هرگونه اغتشاش خشونت بار سیاسی بدون ارتکاب جرم خاصی باشد. حمله به نظم سیاسی کشور

و یا ارتکاب جرم برای نیل به یک هدف و مقصود سیاسی هم جرم سیاسی تلقی می‌شود.»

دولت‌ها ممکن است هر تهدید واقعی و یا خیالی به منافع ملی کشور و بقای حکومت را جرم تلقی کنند.

در فقه اسلامی، اصطلاح « بغي » آورده شده و آن به عملی گفته می‌شود که گروهی از مسلمانان با

تشکیلات قوی، از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین سربراز زده و عمداً و با اختیار اقداماتی از راه فساد

فی الارض، محاربه، و یا جاسوسی برای دولتهای متخاصم انجام داده و یا جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی به راه اندازند.

جرایم سیاسی عموماً جرایم ضد امنیت کشور به حساب می‌آیند. اما به اعتقاد حقوقدانان، اگر نظام حاکم از نظر مردم فاقد مشروعیت باشد، و یا اکثریت مردم موافق این اقدامات باشند، این اعمال جرم تلقی نمی‌شود.

در اینجا مسئله مهم این است که چه معیاری برای تشخیص عدم مشروعیت نظام وجود داشته و چه کسی فقدان مشروعیت نظم و آراء اکثریت مردم را باید احراز کند. طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی، که علی القاعده و حد اقل باید مورد پذیرش متولیان حکومت قرار داشته باشد، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد

سپاس  
جبهه ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: [info@jebhemeliiran.org](mailto:info@jebhemeliiran.org)